



آینده‌پژوهی تهدیدات نوظهور سیاست خارجی در خاورمیانه و تأثیرگذار بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

ایوب نیکونهاد^۱ | محسن بیوک^۲

چکیده

سیال بودن محیط و سرعت تحولات در حوزه سیاست منطقه‌ای و جهانی در طی یک دهه گذشته باعث بروز برخی تهدیدات نوظهور شده که در صورت فقدان آینده‌نگری درباره آن‌ها، می‌تواند هم بر منافع ملی اثرگذار شوند و هم به‌عنوان منبع تهدیدات امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران تلقی گردند. شناسایی تهدیدات نوظهور در حوزه‌های مختلف و ارائه راهکار در خصوص آن‌ها یک مسئله اساسی برای نظام سیاست‌گذاری کشورهاست چراکه تحولات محیط‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تغییراتی را در محیط عملیاتی و منافع جمهوری اسلامی ایران ایجاد و تهدیداتی را متوجه امنیت ملی نموده است. اهمیت پژوهش حاضر در این است که تهدیدات سیاست خارجی نوظهور پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار داده و به‌نظام سیاست‌گذاری کمک می‌کند تا به‌موقع نسبت به کنش‌های تهدیدکننده، واکنش نشان داده و از وقوع غافلگیری جلوگیری گردد. هدف اصلی این پژوهش، احصاء تهدیدات نوظهور حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اهداف فرعی آن، تبیین روندهای کلان تهدیدات نوظهور در این حوزه، و پیش‌بینی‌های شکل‌دهنده به تهدیدات نوظهور در منطقه خاورمیانه است. رویکرد کلی این پژوهش از نوع اکتشافی (آینده‌پژوهی) بوده که با استفاده از روش آمیخته انجام شده است. در این پژوهش علاوه بر استفاده از پیمایش محیطی متون برای شناسایی کلان‌روندهای شکل‌دهنده به تهدیدات نوظهور، برای شناسایی پیش‌بینی‌ها و تهدیدات نوظهور تأثیرگذار بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از تعداد ۱۰ تن از کارشناسان، محققان و نخبگان علمی و دانشگاهی کشور با استفاده از روش مصاحبه خبرگانی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین تهدیدات نوظهور حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان تضعیف نظم رنالیستی امنیت محور، دولت‌های شکننده منطقه، بهره‌گیری بازیگران رسمی و غیررسمی از بیوترونیسم، منازعات هیدروپلیتیکی و... به‌شمار آورد.

کلیدواژه‌ها: تهدیدات نوظهور، سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، خاورمیانه، امنیت ملی

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص) ارتش، تهران، ایران

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص) ارتش، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسئله

امنیت در طول تاریخ بر اساس ابزارهای قدرت و همچنین الگوهای رفتاری قدرت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای و چگونگی کنش متقابل بازیگران شکل گرفته است. از طرفی ابزارهای قدرت عموماً بر اساس تهدید رقبا به میدان آمده و شکل تهدید با توجه به تحولات و شرایط زمان و مکان تغییر نموده است. به همین دلیل توجه به تهدیدات خصوصاً تهدیدات نوظهور و توانایی پیش‌بینی، پیشگیری و مقابله با آن‌ها همواره یکی از دغدغه‌های اصلی نظام سیاست‌گذاری و حکمرانی در کشورها بوده است. یکی از تفاوت‌های اساسی تهدیدات نوظهور با تهدیدات کلاسیک این است که حوزه تهدیدات کلاسیک عمدتاً مرتبط با تهدیدات نظامی و قدرت سخت کشورهاست اما در دوران جدید، حوزه تهدیدات بسیار متنوع و پیچیده است و همه حوزه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، فناوری و ... را به صورت هم‌زمان در برمی‌گیرد. بر اساس تعریفی که در متن گزارش مطالعه گروهی دانشگاه عالی دفاع ملی در سال ۱۳۹۹ ارائه شده است، تهدیدات نوظهور، تهدیداتی هستند که قبلاً نبوده و عمدتاً ناشی از ظهور دانش و فناوری‌های جدید در دوره معاصر است که می‌تواند از ترکیب تهدیدات ساده شکل گرفته باشد و منجر به آسیب زدن به ارکان دفاعی کشور (سیاسی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، فناوری، نظامی، زیست‌محیطی و ...) شود. (سعادت‌ی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲)

از آنجایی که می‌توان منطقه خاورمیانه را کانون منازعه سیاست جهانی و منطقه‌ای در دهه‌های گذشته به شمار آورد به همین جهت این منطقه همچنان شاهد تهدیدات متفاوت و مستمر در اشکال مختلف است. خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ به بعد با سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی و دخالت کشورهای غربی، شاهد شکل‌گیری اعتراض‌های ضد حکومتی است که از درون این اعتراض‌ها و شورش‌ها تهدیدات نوینی ظهور کرده و به نوبه خود سبب افزایش تنش‌ها در سطح نظام‌های سیاسی و همچنین ظهور بزرگ‌ترین بحران‌های انسانی در مقیاس جهانی در این منطقه شده است. پیدایش نسل جدید گروه‌های تروریستی و تبدیل شدن آن‌ها به ابزاری سیاسی برای بعضی از کشورهای منطقه در جهت دستیابی به اهداف خود، وقوع بحران‌های فراگیر و جنگ‌های داخلی در سوریه و عراق و جنگ خارجی (یمن)، تهدیدات مداوم رژیم صهیونیستی علیه زیرساخت‌ها و

تأسیسات صنعتی جمهوری اسلامی ایران، عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی با اعراب در قالب پیمان ابراهیم (علیرغم کم رنگ شدن این تهدید پس از توافق ایران و عربستان در برقراری روابط دیپلماتیک)، روی کار آمدن مجدد طالبان در افغانستان، پیشنهاد طرح ناتوی عربی و احتمال همکاری آن با ناتوی غربی، بحران قره باغ و دخالت کشورهای منطقه و فرا منطقه‌ای در آن، ایران هراسی و شیعه هراسی و... از جمله تهدیدات جاری است که می‌تواند به تهدیدات نوظهوری منجر شود و این تهدیدات در حوزه سیاست خارجی به نوبه خود می‌تواند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذار واقع گردد. نکته حائز اهمیت آن است که اولاً دامنه جغرافیایی وقوع این تهدیدات نوظهور صرفاً محدود به یک کشور یا کشورهای خاصی نیست بلکه همه کشورهای منطقه خاورمیانه و از جمله قدرت‌های منطقه‌ای را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد و ثانیاً با توجه به وسعت و عمق تهدیدات نوظهور، پیامدهای این تهدیدات کوتاه مدت نخواهد بود و دهه‌های متمادی می‌تواند منطقه خاورمیانه و حتی سیاست جهانی را درگیر خود سازد.

یکی از کارکردهای اصلی علم آینده پژوهی، پیمایش محیط، رصد و دیده‌بانی تحولات و پیش‌نگری و اعلام هشدار به سازمان‌ها و نظام‌های سیاسی به جهت جلوگیری از غافلگیری آن- هاست. صدور هشدارهای لازم با درک و پیش‌نگری تهدیدات نوظهور می‌تواند خود بخشی از فرایند حل مسائل آن‌ها باشد تا نظام سیاست‌گذاری بتواند با فراغ بال و آسودگی خاطر، سازوکارهای لازم برای مقابله و مواجهه با این تهدیدات نوظهور را در دستور کار خود قرار دهد. هدف پژوهش پیش‌رو آینده پژوهی تهدیدات نوظهور حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر روندها و رویدادهایی است که در عرصه سیاست منطقه‌ای و جهانی در حال حاضر در جریان است.

پیشینه پژوهش

مرادیان (۱۳۸۸) در رساله خود تحت عنوان «شاخص‌های سنجش امنیت خارجی جمهوری اسلامی ایران» که در دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی به نگارش درآمده است مفاهیم امنیت و تهدید را مورد بحث قرار داده است و پس از تعریف تهدید و روش‌های سنجش و ارزیابی و تشخیص آن، مفاهیمی نظیر دامنه و گستره تهدید، فوریت (نزدیکی و دوری تهدید از نظر

زمانی و مکانی)، توان تهدید (قدرتمندی تهدیدگر و تهدیدشونده)، زمان و مکان تهدیدات، موقعیت، مجاورت، منابع تهدید و گونه شناسی تهدیدات از نظر ابعاد، سطح، توازن و تعادل، تقارن، پیچیدگی، هویت، جنس، کانون، انگیزه و کار ویژه، آن‌ها را مورد بررسی قرار داده است.

متقی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «گونه شناسی تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» بر این باور است که آسیب‌شناسی تهدیدهای امنیت ملی امری ضروری برای آینده‌پژوهی امنیتی است. اگرچه آسیب‌شناسی برخی تهدیدهای امنیتی به حوادث دوران گذشته مربوط است، بهره‌گیری از آن، نتایج مطلوب و مؤثری برای آسیب‌شناسی تهدیدهای موجود و آینده فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، چنین فرآیندی زمینه‌ساز شناخت ماهیت تهدید و چگونگی کنترل تهدیدهای بالقوه و بالفعل است. وی در نهایت به این نتیجه می‌رسد که تهدیدات موجود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی در گام اول ماهیتی سخت‌افزاری داشته که این نوع از تهدیدات عمدتاً باهدف مقابله با ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران طراحی شده است. در یک فرایند تدریجی این تهدیدات دچار تغییرات ماهیتی، کارکردی و نشانه‌ای شده و جنبه نرم‌افزاری به خود گرفته و معطوف به فرسایش قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران شده است.

دهقان (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «تهدیدات نوظهور و الزامات دفاع هوشمند از منظر فرماندهی معظم کل قوا» به بحث و بررسی در خصوص تهدیدات نوظهور پرداخته و بعد از برشمردن روندهای در حال شکل‌گیری همانند ظهور قدرت‌های جدید، رشد بازیگران غیردولتی، بحران در منابع مالی و طبیعی، افزایش منازعات چندبعدی (تهدیدهای مرکب) و... مهم‌ترین و عمده‌ترین تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در محیط کنونی را شامل تهدیدهای سخت هم‌تراز و ناهم‌تراز، جنگ نرم و عملیات روانی، تروریسم نامتعارف و تکفیری و تهدیدات زیست‌محیطی برشمرده است.

وجه تمایز این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های مشابه در چند مورد است. اول اینکه پژوهش‌هایی که تاکنون در خصوص تهدیدات سیاست خارجی جمهوری اسلامی به نگارش درآمده‌اند ناظر به تهدیدات گذشته یا فعلی بوده و فاقد رویکرد آینده‌پژوهانه هستند. دوم اینکه نوع تهدیدات شناسایی شده از نوع تهدیدات نوظهور بوده که از برهمکنش روندها و پیشران‌ها شناسایی شده‌اند که پژوهش‌های مشابه به آن‌ها نپرداخته‌اند.

چارچوب و تمهیدات نظری

تهدید

لرنر^۱ تهدیدات را دربرگیرنده هر مسئله‌ای می‌داند که می‌تواند ثبات و امنیت را در یک کشور به خطر بیندازد و بر این باور است که تهدیدات عمدتاً منافع را مورد هدف خود قرار می‌دهند. در نگرش سیستمی نیز تهدید به معنای عدم تعادل در سیستم تعریف شده است در واقع عاملی که اجازه نمی‌دهد تا سیستم به اهداف خود دست پیدا کند در زمره تهدیدات محسوب می‌شود. (مرادیان، ۱۳۸۵: ۱۷۱). فرهنگ لغات آکسفورد نیز تهدید را به معنای بیان و قصد آسیب رساندن، نابود یا تنبیه کردن دیگران از روی انتقام یا ارباب، ترساندن یا ایجاد فاجعه برای فرد یا جامعه، نتایج ناخوشایند به بار آوردن و... تعریف کرده است. (Oxford dictionary, 2022). باری بوزان تهدید را به معنای فقدان امنیت و ایجاد اختلال در توانایی‌های یک کشور به منظور دست‌یابی به اهداف ملی آن و همچنین اقداماتی که می‌تواند کمیت و کیفیت زندگی مردم یک کشور یا دامنه اختیارات نظام سیاسی را به‌طور جدی کاهش دهد تعریف کرده است گرچه در دیدگاه بوزان در توصیف تهدیدات معمولاً موضوعاتی همانند قدرت، حاکمیت دولت، اهداف و منافع به‌عنوان موضوعات در معرض تهدید مطرح می‌شوند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۳-۳۱). در تعاریف دیگر گاهی از تهدید به‌عنوان یک اقدام، رفتار یا سلسله‌ای از اعمال و گاهی به‌عنوان شرایط، وضعیت یا حالت یاد می‌شود. بر اساس این رویکرد، تهدید بیانگر وضعیت یا حالتی است که در آن مجموعه‌ای از ادراکات و تصورات در خصوص پدیده‌ها و مسائل شکل گرفته که با بقاء کمیت و کیفیت ارزش-های اساسی و مورد احترام یک جامعه ارتباط دارد و ممکن است خطری جدی ارزش‌های آن جامعه را تهدید نماید. تهدید امنیتی، در عرصه روابط بین‌المللی عبارت است از هرگونه قصد، نیت، حادثه و اقداماتی که می‌تواند ثبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، منافع حیاتی یک کشور را در معرض خطر جدی قرار دهد. (محمود نژاد، ۱۳۸۱: ۲۶). بوزان هم در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» بر این باور است که تهدید امنیتی عمدتاً ثبات سازمانی حاکمیت‌ها را نشانه گرفته و هر تهدیدی که به‌نوعی با مسئله هویت، موجودیت یا منافع دولتی خاص مرتبط شود تهدیدی امنیتی ارزیابی می‌گردد. (بوزان، ۱۳۸۶: ۱۴۳)

1. Lerner

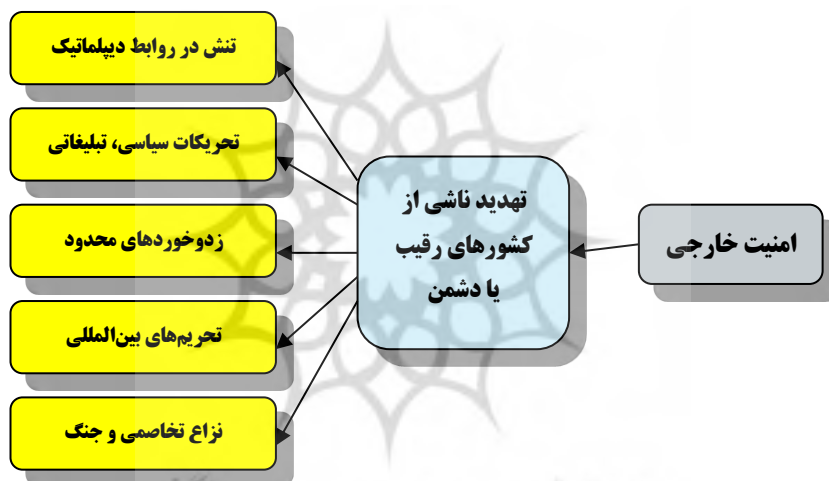
امنیت ملی

امنیت ملی دارای دو بعد به هم پیوسته امنیت داخلی و خارجی است که قلمروی هر دو بعد آن-ها را، مرزهای جغرافیایی کشورها تشکیل می‌دهد. بعد داخلی امنیت ناظر به امنیت ملت در مقابل تهدیدهای آشکار و پنهان در درون مرزهای ملی یک کشور را شامل می‌شود و می‌تواند در طیف‌های متنوع سیاسی (تجزیه طلبی، براندازی و...)، اقتصادی (بی‌ثباتی و بحران‌های اقتصادی و...)، نظامی (وقوع کودتا و جنگ‌های داخلی و...) و اجتماعی (شورش‌های اجتماعی و آشوب‌ها و...) نظام سیاسی را تحت تأثیر خود قرار دهد. بعد خارجی امنیت نیز که بر اساس دیدگاه‌های رئالیستی به صورت مستقیم از مسائل داخلی تأثیر می‌پذیرد به تهدیدهای برون‌مرزی علیه یک دولت یا نظام سیاسی بازمی‌گردد که می‌تواند در ابعاد سیاسی (کاربست تحریم‌های سیاسی به جهت انزوای بین‌المللی کشور)، نظامی (انجام حمله نظامی یا تهدید به انجام آن)، اقتصادی (به کارگیری تحریم‌های هوشمند اقتصادی)، زیست‌محیطی و فرهنگی و اجتماعی را در برگیرد. (پل دی، ۱۳۹۰: ۱۰۷-۱۱۵).

علیرغم درهم تنیدگی دو بعد امنیت داخلی و خارجی، اما بازیگران، ابزارها، منابع، و روش‌ها و شیوه‌های مدیریت هر یک از ابعاد امنیت از هم متمایز بوده و از لحاظ موضوعی نیز با یکدیگر متفاوت هستند. بعد داخلی امنیت، محیط بهره‌گیری دولت‌ها از ابزارهای نرم و از پایین به بالاست در حالی که محیط خارجی امنیت، عمدتاً محیط به کارگیری ابزارهای سخت همراه با الگوهای خصومت، رقابت و همکاری است، در حالی که سازه حکومت و مقوله اعمال قدرت، مرجع امنیت داخلی را تشکیل می‌دهد، مرجع امنیت ملی کشورها از نظر بعد خارجی، منافع ملی کشورهاست.

به عبارتی دیگر امنیت داخلی به مسئله براندازی، بی‌ثبات‌سازی سیاسی و چالش از جانب طیف‌ها و گروه‌هایی از درون یک کشور مربوط می‌شود که تاکنون اقتدار دولت را نپذیرفته‌اند و یا در پی تضعیف آن هستند در حالی امنیت خارجی به تهدید به کارگیری زور یا اعمال آن توسط دولت‌های دیگر یا سایر بازیگران غیردولتی مؤثر مربوط بوده و هر کدام از آن‌ها غالباً از ابزارهای خاص خود برای عملی‌سازی تهدید برخوردار هستند. در خصوص امنیت داخلی عمده نظرات متوجه آسیب‌پذیری‌های ناشی از نقاط ضعف مزمنی است که ساختارها، امکانات و توانایی‌های سیستم، قادر به حل و پاسخ‌گویی به آن‌ها نشده است، که این آسیب‌پذیری‌ها می‌تواند دربرگیرنده مسائلی همانند

نزاع‌های هویتی و سهم‌خواهی قومی در ساختار سیاسی، بحران‌های ناشی از مشارکت، مشروعیت و کارآمدی نهادی، شکاف طبقاتی و دوگانگی‌های اقتصادی، بحران‌های فرهنگی، شورش‌های اجتماعی، اعتصاب‌های گسترده و... را در برگیرد (ربیعی، ۱۳۸۳: ۱۱۲). در مقابل مسئله امنیت خارجی بیشتر معطوف به تهدیدات ناشی از کشورهای دشمن یا رقیب است که در مراحل اولیه خود در قالب بحران‌های دیپلماتیک دو یا چندجانبه بروز پیدا می‌کند و در مراحل بعدی همراه با تحریکات سیاسی، تبلیغاتی و سرانجام امر به شکل زدوخوردهای محدود است و در صورتی که در یک‌طرف مسئله و تهدید امنیتی کشور قدرتمندی باشد، با تحریم‌های بین‌المللی و در حادترین شکل آن، نزاع تخصصی و جنگ رخ می‌دهد. (همان، ۱۱۳)



شکل ۱: اشکال مختلف تهدیدات امنیت خارجی (برگرفته از ادبیات نظری پژوهش)
 با لحاظ کردن این وجوه و در پاسخ به این سؤال که منشأ و منبع ناامنی کجاست، سه مکتب در پهنه مطالعات امنیتی به وجود آمده است:

- مکتب اول که عمدتاً توسط محققان آمریکایی مطرح شده، ریشه ناامنی را تهدیدات خارجی می‌داند.

- مکتب دوم که به نگرش سیستماتیک موسوم است، از امنیت متقابل سخن گفته و بر این باور است که روابط کشورها در سیستم بین‌الملل به گونه‌ای است که در وضعیت وابستگی متقابل قرار داشته و امنیت، دیگر پدیده‌ای ملی نیست.
- مکتب سوم که عمدتاً در دهه ۱۹۷۰ پا به عرصه وجود نهاد، ریشه ناامنی در کشورهای جهان سوم را داخلی توصیف کرده و پنج بحران اصلی (بحران هویت، بحران توزیع، بحران مشارکت، بحران مشروعیت و بحران نفوذ) را ریشه ناامنی در کشورهای جهان سوم می‌داند. (پای، ۱۳۸۰: ۲۲) با توجه به آنچه درباره امنیت داخلی و خارجی گفته شد، واقعیت آن است که تهدیدات داخلی و خارجی را نمی‌توان به کلی از یکدیگر تفکیک کرد. در بسیاری از موارد، تهدیدات داخلی از خارج سرچشمه می‌گیرند و بالعکس؛ گاهی مسائل و مشکلات داخلی، زمینه‌ساز تحریک دشمنان و رقبای خارجی بوده و امنیت واحدهای سیاسی را با چالش مواجه می‌سازند.

تهدیدات نوظهور

پیچیدگی محیط، سرعت تحولات و عدم قطعیت آن‌ها تهدیدات نوینی را در کنار تهدیدات سنتی ایجاد نموده است. تهدیدات سنتی با توجه به اقتضائات محیطی که از آن برخوردار بودند (همانند وقوع جنگ یا فشار اقتصادی) از ویژگی‌هایی خاص و قابل پیش‌بینی پذیری برخوردار بودند که تهدیدات نوین (نوظهور) این ویژگی‌ها را ندارند یا در حد کمی از آن‌ها برخوردارند. تهدیدات جدید (نوظهور) مانند تهدیدات زیست‌محیطی، تهدیداتی هستند که تازگی تقویمی و زمانی داشته یا به لحاظ تحولات محیط و یا تغییر در پارادایم جنگ دچار تغییرات اساسی در ابزار، ماهیت، شکل، جغرافیا، بازیگران و ... شده‌اند و می‌توانند فرو ملی یا فراملی، بدون جغرافیای خاص، غیر دولت‌محور و چندوجهی باشند. همچنین در مقابله با تهدیدات سنتی بخش اصلی سیاست‌های امنیتی را سیاست‌های دفاعی با تکیه بر مسائل سخت‌افزاری تشکیل می‌داد در حالی که در تهدیدات نوظهور تعریف امنیت و سیاست‌های امنیتی یک تعریف موسع بوده و جنس این نوع از تهدیدات با تکیه صرف بر سیاست‌های دفاعی قابل حل و فصل نیست. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۷: ۱۱۴)

در حوزه چستی و ارکان تهدیدات نوظهور می توان گفت، تهدیدات نوظهور تهدیداتی هستند که از قبل وجود نداشته و در زمان اخیر به وجود آمده‌اند. (دارای تازگی تقویمی هستند) و یا در گذشته وجود داشته اما به لحاظ تحولات محیط امنیتی و ابزار تهدید دچار تغییرات اساسی در تأثیرگذاری شده‌اند. از طرفی منحصر به جغرافیای خاصی نبوده و در آن واحد مانند تهدیدات گروه‌های تارشگری^۱ و سایبری می تواند در جغرافیای مختلف عمل کند. الزاماً از بازیگران دولتی ناشی نمی شوند و نشات گرفته از گروه‌های تارشگری و غیردولتی هستند. همچنین ارکان تهدیدات نوظهور عبارت‌اند از؛ بازیگر، ابزار تهدید، تحولات محیط امنیتی، و اهداف تهدید. (دافوس آجا، ۱۳۹۷) در مجموع می توان گفت تهدیدات نوظهور تهدیداتی هستند که قبلاً نبوده و عمدتاً ناشی از ظهور دانش و فناوری‌های جدید در دوره‌ی معاصر است و می تواند از ترکیب تهدیدات ساده شکل گرفته باشد. این تهدیدات در کوتاه‌ترین زمان ممکن بیشترین آسیب را وارد می کنند و به علت عدم شناخت ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های آن، مهار آن بسیار سخت و قابلیت پیشگیری آن اندک است همچنین ممکن است از تلفیق چند تهدید قدیمی و موجود تهدید جدیدی با اثرات ناشناخته ایجاد شود. (سعادتی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵۱).

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد کلی این پژوهش از نوع اکتشافی (آینده‌پژوهی) بوده که با ترکیبی از ابزارهای آینده-پژوهی (پیمایش محیطی، روند پژوهی و پیشران‌شناسی) و با استفاده از روش مصاحبه خبرگانی انجام شده است. در مرحله اول برای شناسایی کلان‌روندهای جهانی شکل‌دهنده به تهدیدات نوظهور از پیمایش محیطی متون، کتب، مقالات و گزارش‌های در دسترس استفاده شده است (کیفی). در مرحله دوم برای شناسایی پیشران‌های شکل‌دهنده به تهدیدات نوظهور در منطقه خاورمیانه تعداد ۱۰ تن از کارشناسان، محققان و نخبگان علمی و دانشگاهی با توجه به نوع تخصص انتخاب شده‌اند (جدول شماره ۱) و در مرحله اول طی پرسشنامه نیمه ساختاریافته از خبرگان خواسته شد تا تمامی پیشران‌های مدنظر خود در خصوص عوامل شکل‌دهنده به تهدیدات نوظهور در منطقه خاورمیانه را شناسایی نمایند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها تعداد ۲۴ پیشران در خصوص مسئله مدنظر شناسایی شد (جدول شماره ۲) که پس از پالایش آن‌ها و ادغام

1. Militant groups

پیشران‌هایی که دارای همپوشانی بودند، مجدداً در مرحله دوم در اختیار آن‌ها قرار گرفته است تا نسبت به ارزش‌گذاری پیشران‌ها و اولویت‌بندی آن‌ها اقدام نمایند. پس از حاصل شدن اجماع نظر خبرگان در خصوص پیشران‌های شکل‌دهنده به تهدیدات نوظهور در منطقه خاورمیانه در مرحله بعد کلان‌روندها و پیشران‌های شناسایی شده در اختیار خبرگان قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا با توجه به کلان‌روندها و روندهای موجود و پیشران‌های شناسایی شده مهم‌ترین تهدیدات نوظهور در حوزه آینده سیاست خارجی و تأثیرگذار بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به ترتیب اولویت مشخص نمایند. پس از حاصل شدن اجماع نظر خبرگان در خصوص تهدیدات نوظهور تأثیرگذار در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که بر آینده منافع و امنیت ملی کشور اثرگذاری بالایی دارند مشخص و در مرحله بعد نسبت به تبیین آن‌ها اقدام گردیده است.

جدول ۱: جامعه مشارکت‌کنندگان در پژوهش و نوع تخصص آن‌ها

ردیف	سطح تحصیلات	تخصص	تعداد
۱	دکتری تخصصی	روابط بین‌الملل	۳
۲	دکتری تخصصی	مطالعات منطقه‌ای	۳
۳	دکتری تخصصی	آینده‌پژوهی	۱
۴	دکتری تخصصی	جغرافیای سیاسی	۱
۵	دانشجوی دکتری تخصصی	مطالعات منطقه‌ای	۲

در جدول شماره ۲ نیز تمامی پیشران‌های شناسایی شده شکل‌دهنده به تهدیدات نوظهور آینده منطقه خاورمیانه که مشتمل بر ۲۴ پیشران است نمایش داده شده است.

جدول ۲: پیشران‌های تأثیرگذار شناسایی شده بر وقوع منازعات و تهدیدات نوظهور در مصاحبه خبرگانی دور اول

ردیف	پیشران‌های تأثیرگذار بر وقوع منازعات و تهدیدات نوظهور در دور اول مصاحبه نیمه ساختاریافته خبرگانی
۱	وجود اختلافات مذهبی در جهان اسلام به دلیل تکثرگفتمانی
۲	پدیدار شدن گروه‌های تارشرگی تهدیدکننده امنیت ملی دولت‌ها
۳	استقلال‌طلبی قومیت‌ها در مناطق مختلف خاورمیانه
۴	تهدیدات مستمر نظامی رژیم اشغالگر قدس علیه دولت‌های منطقه و انجام حملات و عملیات‌های تروریستی
۵	تداوم اشغالگری رژیم اشغالگر فلسطین و عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی
۶	رقابت‌های تسلیحاتی و تضاد منافع بازیگران در منطقه خاورمیانه

جدول ۲: پیشران‌های تأثیرگذار شناسایی شده بر وقوع منازعات و تهدیدات نوظهور در مصاحبه خبرگانی دور اول

ردیف	پیشران‌های تأثیرگذار بر وقوع منازعات و تهدیدات نوظهور در دور اول مصاحبه نیمه ساختاریافته خبرگانی
۷	اختلافات در حوزه‌های مشترک نفتی و گازی: دریای خزر، خلیج فارس، شمال عراق، شمال کویت، سوریه
۸	تلاش قدرت‌های منطقه‌ای برای تسلط بر مسیرهای ترانزیت کالا و نفتی:
۹	وابستگی دولت‌های منطقه به دولت‌های غربی
۱۰	منازعات ژئوپلیتیکی در بین کشورهای جهان اسلام
۱۱	اختلافات بر سر منابع هیدروپلیتیکی
۱۲	وجود نظام‌های دیکتاتوری و سرکوبگر در منطقه خاورمیانه
۱۳	بی‌ثباتی سیاسی داخلی دولت‌ها و بحران مشروعیت آن‌ها
۱۴	پدیدار شدن جنبش‌های اجتماعی جدید در سایه رسانه‌های ارتباطی نوین و برهم زدن ثبات داخلی کشورها
۱۵	ظهور و پدیدار شدن بازیگران و کنشگران غیردولتی قدرتمند و جریان ساز در منطقه خاورمیانه
۱۶	وقوع جنگ‌های داخلی و دسترسی بازیگران غیر متعهد به سلاح‌های کشتار جمعی
۱۷	قدرت‌طلبی و جاه‌طلبی کشورهای منطقه بدون توجه به وزن ژئوپلیتیکی خود
۱۸	تلاش قدرت‌های بزرگ برای فروش تسلیحات نسل گذشته در بازارهای کشورهای خاورمیانه
۱۹	اسلام هراسی و اسلام‌ستیزی دولت‌های غربی
۲۰	تلاش قدرت‌های بزرگ برای حفظ جریان انتقال امن و ارزان نفت و گاز
۲۱	تلاش برای کنترل تفکر اسلام انقلابی و مردم‌سالاری دینی
۲۲	تضاد عینی منافع قدرت‌های بزرگ در منطقه خاورمیانه
۲۳	گسست اجتماعی و نسلی در خاورمیانه
۲۴	بحران‌آفرینی قدرت‌های بزرگ جهت پایدار کردن حضور نظامی خود در منطقه خاورمیانه

تحلیل داده

روندهای تأثیرگذار بر پدیدار شدن تهدیدات نوظهور جهانی

روندهای متعددی در پدیدار شدن تهدیدات نوظهور و شروع منازعات تازه نقش دارند که میزان تأثیرگذاری هر یک از این روندها یکسان نیست، بعضی از این روندها وزن عمده اثرگذاری را به عهده دارند. این روندها را از نظر فوریت و میزان اثرگذاری در ۱۰ سال آینده به شرح جدول زیر نمایش داده شده است.

جدول ۳: روندهای کلان شکل دهنده به تهدیدات نوظهور منبع: (Global Trends 2040)

کلان روندها	روندهای کلان با اثرگذاری سریع
کلان روند ۱	پدیدار شدن قدرت‌های نوظهور، هسته‌ای و موشکی راهبردی جدید مانند چین، هند، پاکستان، کره شمالی و...
کلان روند ۲	عملیاتی شدن شیوه‌های نوین جنگ دور ایستا، تاکتیک سایه، نیابتی پیمان‌کاری، جنگ ترکیبی و ...
کلان روند ۳	انقلاب در فناوری‌های نظامی: تولید تسلیحات پیشرفته و انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات
کلان روند ۴	انباشت تسلیحات نسل گذشته در کشورهای صنعتی و بازاریابی جهت فروش آن‌ها
کلان روند ۵	تحولات در زمینه منابع جدید نفت و گاز، ذخیره‌سازی و انتقال آن‌ها
کلان روند ۶	تحولات در حوزه پیمان‌های دفاعی و امنیتی اجرایی شدن سپر مشترک دفاع موشکی عربی، تشکیل ارتش متحد عربی، توسعه ناتو به شرق
کلان روند ۷	تقویت جنبش‌های اجتماعی، سازمان‌های مردم‌نهاد و شبکه‌های اجتماعی و کاهش تمرکز دولت‌ها
کلان روند ۸	تحولات زیست‌محیطی: بحران آب، گرم شدن زمین، ریزگردها و همه‌گیری بیماری‌ها
کلان روند ۹	تحولات جمعیتی: مهاجرت، رشد نامتوازن جمعیت، تغییر بافت قومی، چند فرهنگی، پیری جمعیت و شهرنشینی
کلان روند ۱۰	جهانی‌سازی: معاهدات و مقررات بین‌المللی، حقوق بین‌الملل و پیمان‌ها و همکاری‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی

پیشران‌های تأثیرگذار بر وقوع تهدیدات نوظهور در خاورمیانه

در خصوص وقوع منازعات و تهدیدات نوظهور در منطقه خاورمیانه هم می‌توان گفت که دو دسته از پیشران‌ها در وقوع منازعات و تهدیدات نوظهور در منطقه خاورمیانه ایفای نقش می‌کنند دسته اول پیشران‌ها و عوامل درون منطقه‌ای و دسته دوم پیشران‌ها و عوامل برون منطقه‌ای هستند که هر یک از آن‌ها با انگیزه‌ها و اشکال مختلف می‌توانند زمینه‌ساز شکل‌گیری یا تداوم تهدیدات نوظهور در این منطقه گردند:

جدول شماره ۴: پیشران‌های تأثیرگذار بر وقوع منازعات و تهدیدات نوظهور (منبع: اجماع نظر

خبرگان)

پیشران‌های تأثیرگذار بر وقوع منازعات و تهدیدات نوظهور

پیشران‌ها

پیشران‌های درون منطقه‌ای	پیشران ۱: اختلافات مذهبی: شکل‌گیری گفتمان سلفی‌گری، جنگ صلیبی قرن بیست و یکم و ...
	پیشران ۲: استقلال‌طلبی قومی: کردستان بزرگ، خوزستان عربی، بلوچستان بزرگ، پان‌ترکیسم و...
	پیشران ۳: تداوم اشغالگری رژیم اشغالگر فلسطین و عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی
	پیشران ۴: اختلافات در حوزه‌های مشترک نفتی و گازی: دریای خزر، خلیج فارس، شمال عراق، شمال کویت، سوریه و...
	پیشران ۵: تلاش قدرت‌های منطقه‌ای برای تسلط بر مسیرهای ترانزیت کالا و نفتی: تنگه هرمز، دریای عمان، باب‌المندب، دریای سرخ، کانال سوئز، اجرای پروژه فاولکبیر توسط دولت عراق برای کم‌اهمیت کردن خط آهن شلمچه-بصره
	پیشران ۶: منازعات ژئوپلیتیکی در بین کشورهای جهان اسلام
	پیشران ۷: اختلافات بر سر منابع هیدروپلیتیکی
	پیشران ۸: بی‌ثباتی سیاسی داخلی دولت‌ها و بحران مشروعیت آن‌ها
	پیشران ۹: ظهور و پدیدار شدن بازیگران و کنشگران غیردولتی قدرتمند و جریان ساز در منطقه خاورمیانه
	پیشران ۱۰: قدرت‌طلبی و جاه‌طلبی کشورهای منطقه بدون توجه به وزن ژئوپلیتیکی خود
پیشران‌های برون منطقه‌ای	پیشران ۱۱: رقابت‌های تسلیحاتی در منطقه و تلاش قدرت‌های بزرگ برای فروش تسلیحات نسل گذشته در بازارهای کشورهای خاورمیانه
	پیشران ۱۲: اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی
	پیشران ۱۳: تلاش قدرت‌های بزرگ برای حفظ جریان انتقال امن و ارزان نفت و گاز
	پیشران ۱۴: کنترل تفکر اسلام انقلابی و مردم‌سالاری دینی
	پیشران ۱۵: تضاد عینی منافع قدرت‌های بزرگ در منطقه خاورمیانه

۳-۵) مهم‌ترین تهدیدات نوظهور آینده حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه

منطقه خاورمیانه به علت موقعیت‌های ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچر خود همواره دستخوش سیاست‌ها و مطامع قدرت‌های بزرگ جهانی بوده است و در چند دهه اخیر این منطقه یکی از متلاطم‌ترین و پرآشوب‌ترین دوران حیات سیاسی خود را طی می‌کند. آثارشی

موجود در منطقه خاورمیانه نیز مصداق بارز دیدگاهی است که الکساندر ونت، نظریه‌پرداز سازه‌انگار روابط بین‌الملل درباره آن عنوان می‌کند که «آناارشی چیزی است که دولت‌ها آن را می‌سازند» (Wendt, 1992: 394-395) وقوع جنگ‌های بین‌کشوری (جنگ عربستان علیه یمن)، جنگ‌های درون‌کشوری (جنگ داخلی در سوریه، عراق و لیبی)، شکل‌گیری جنگ نیابتی (میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان)، مداخله گسترده قدرت‌های فرا منطقه‌ای در امور خاورمیانه، شکل‌گیری بحران‌های انسانی فجیع که برخی نظیر بحران یمن و سوریه در زمره بدترین بحران‌ها دست‌کم طی نیم‌قرن اخیر است، تنش‌های سیاسی در درون جهان عرب و همچنین ناپختگی مواضع سیاسی برخی حکام عرب که به افزایش بی‌ثباتی و تداوم بحران‌ها در خاورمیانه انجامیده است، همگی گویای تنش بی‌سابقه در خاورمیانه است. این فضا سبب شکل‌گیری تهدیدات نوظهوری در خاورمیانه شده و تهدیداتی نیز در آینده ایجاد خواهد کرد.

امروزه منطقه خاورمیانه آستان تهدیدات نوظهوری متعدد است و بیش از هر زمان دیگری می‌تواند شاهد بی‌ثباتی، هرج‌ومرج، خشونت و ناامنی باشد. در واقع، چرخه ادواری بحران و منازعه در خاورمیانه همچنان استمرار دارد. وقوع اعتراضات و بی‌ثباتی‌های سیاسی که از سال ۲۰۱۱ و رویدادهای پس از آن، که در این منطقه به وقوع پیوسته است، آغاز و بیانگر بروز تهدیدات نوظهوری است که می‌تواند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه خاورمیانه را به شدت تحت تأثیر خود قرار دهد. مهم‌ترین تهدیدات نوظهور شناسایی شده با توجه به روندهای کلان‌جهانی (تهدیدات موجود) و پیشران‌های شناسایی شده از دیدگاه خبرگان به ترتیب آمده است و ارتباط هر کلان‌روند و پیشران شناسایی شده در ارتباط با پدیدار شدن تهدیدات نوظهور مشخص شده است.

جدول شماره ۵: تهدیدات نوظهور شناسایی شده در ارتباط با کلان‌روندها و پیشران‌ها

تهدیدات نوظهور شناسایی شده	کلان‌روندها و پیشران‌های تأثیرگذار بر پدیدار شدن آن
تضعیف نظم رئالیستی دولت‌محور و به‌کارگیری سازمان‌های تروریستی افراط	کلان‌روندهای ۲ و ۷
	پیشران‌های ۱، ۲، ۴، ۸، ۹، ۱۲

	گرای مذهبی
کلان‌روندهای ۲، ۳، ۷، ۸، ۹، ۱۰	مواجهه با دولت‌های ورشکسته / شکننده و
پیشران‌های ۱، ۲، ۳، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۵	زمان پریش
کلان‌روندهای ۷، ۹، ۱۰	فدرالیزه شدن دولت‌های ورشکسته در
پیشران‌های ۱، ۲، ۶، ۸، ۹، ۱۳، ۱۵	خاورمیانه
کلان‌روندهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۰	مداخله‌گرایی نوین هم‌زمان با تداوم
پیشران‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴	مداخله‌گرایی سنتی خارجی
کلان‌روندهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۸	بهره‌گیری بازیگران دولتی و غیردولتی از
پیشران‌های ۱، ۲، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۵	بیوتروریسم
کلان‌روندهای ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸	وقوع منازعات و رقابت‌های هیدروپلیتیکی
پیشران‌های ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۵	

۱- تضعیف نظم رئالیستی دولت‌محور و به‌کارگیری سازمان‌های تروریستی افراط

گرای مذهبی

یکی از تهدیدات مهمی که منطقه با آن مواجه است، تضعیف نظم رئالیستی دولت‌محور است. از چهار قدرت مهم عربی در خاورمیانه یعنی عربستان، مصر، سوریه و عراق تنها عربستان سعودی تا حدودی ثبات داخلی خود را حفظ کرده و جایگاه دولت در این کشور تضعیف نشده، اما تغییر در رأس قدرت عربستان که منجر به تغییر ماهیت سیاست خارجی آن از محافظه‌کار به تهاجمی شده، تزلزل جایگاه منطقه‌ای عربستان سعودی را در پی داشته است. دو کشور سوریه و عراق با تهدیدات تروریستی مورد حمایت خارجی مواجه و حتی تمامیت جغرافیایی این کشورها تهدید شده است اما در نهایت این تمامیت با کمک برخی قدرت‌های خارجی به خصوص جمهوری اسلامی ایران حفظ شده است. با این حال، اثری از دولت مقتدر و قوی در سوریه و عراق امروزی نیست.

نکته مهم این است که بحران عربی که از سال ۲۰۱۱ به بعد آغاز شد، سبب شد شکل دولت در منطقه نیز به واسطه نقش آفرینی جدید دولت‌ها تغییر کند. در واقع، دولت‌سازی در خاورمیانه که از نوع «دولت‌سازی تدافعی» بود به «دولت‌سازی تهاجمی» به خصوص درباره عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران تغییر کرده است. علت اصلی این اتفاق این است که در خاورمیانه کنونی نه تنها الگوی همکاری میان قدرت‌ها وجود ندارد بلکه موازنه قدرت باثباتی نیز وجود ندارد بلکه خاورمیانه شاهد «موازنه بی‌اعتمادی» است که مانع شکل‌گیری هر نوع ائتلاف یا اتحاد باثبات منطقه‌ای شده است. حتی کشورهایی که در سیاست‌های اعلامی خود سعی بر هم‌راستایی و همکاری داشته‌اند نتوانسته‌اند به ائتلاف‌های پایدار دست پیدا کنند به‌عنوان مثال طی این سال‌ها انتظار می‌رفت که ائتلاف قطر-عربستان سعودی- ترکیه یا ائتلاف عربستان سعودی- مصر شکل گیرد، اما این ائتلاف‌ها شکل نگرفت. (Parthes, 2017: 7)

چنین فضایی به همراه سبک مداخله قدرت‌های غربی به خصوص ایالات متحده آمریکا سبب ظهور بازیگران جدید غیردولتی در خاورمیانه شد که مهم‌ترین کارکرد این بازیگران نوظهور، ناامن‌سازی خاورمیانه در قالب افراط‌گرایی مذهبی است. سازمان‌های تروریستی از جمله بازیگران در حال پیدایش در خاورمیانه هستند که تمایلی به ثبات و امنیت در منطقه ندارند. (Shama, 2017) این بازیگران نوظهور به لحاظ «سازمانی» تفاوت‌های محسوسی باهم دارند، اما «تولید خشونت» و «نادیده گرفتن محدودیت‌های اخلاقی» از شاخصه‌های مشترک این بازیگران نوظهور در خاورمیانه است. اگرچه گروه‌های تروریستی نظیر «داعش» در سوریه و عراق به لحاظ سازمانی تضعیف شده و توانمندی محقق کردن اهدافی نظیر دست‌یابی به جغرافیای بیشتر و برقراری نظام خلافت در مقطع کنونی را ندارند، اما این گروه‌ها به فعالیت‌های خود در منطقه در جهت تولید خشونت و تضعیف نظم رئالیستی دولت‌محور ادامه می‌دهند و در صورت بازسازی تشکیلاتی در آینده امکان سر برآوردن مجدد آن‌ها در یک عنوان دیگر وجود دارد. (Parthes, 2017: 9)

تضعیف نظم رئالیستی دولت‌محور در خاورمیانه و ظهور بازیگران نوظهور دارای ماهیت تروریستی بیش از همه در راستای امنیت رژیم صهیونیستی قرار دارد. در واقع؛ درحالی‌که قدرت‌های بزرگ عربی (عراق، سوریه و مصر) تضعیف و یا به «دولت‌های شکننده» تبدیل شدند و سطح روابط میان عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران نیز طی چرخه‌های بحرانی از «رقابت» به «خصومت» و در چند ماه

اخیر به سمت وسوی «مدیریت تنش» گرایش پیدا کرده^۱، رژیم صهیونیستی نه تنها بدون کمترین آسیبی به حیات سیاسی و امنیتی خود در محیط منطقه‌ای خاورمیانه ادامه می‌دهد بلکه در صدد بیرون آمدن از انزوای هویتی و سیاسی در این منطقه از طریق تقویت «عادی‌سازی» روابط با دولت‌های عربی است. گرچه در طی نزدیک به یک سال اخیر و پس از روی کار آمدن بنیامین نتانیاهو موجی از اعتراضات اجتماعی- سیاسی سرزمین‌های اشغالی را فرا گرفته و رژیم صهیونیستی را درگیر یک بحران درونی کرده است اما اقدامات ثابت زدای رژیم صهیونیستی همچنان یکی از مهم‌ترین تهدیداتی است که جهان اسلام و به خصوص جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند.

تکثر بازیگران آشوب ساز محلی هم‌زمان با افزایش میزان آسیب‌پذیری دولت‌های منطقه و تلاش گروه‌های تروریستی نوظهور نظیر داعش برای پیشبرد نظم منطقه‌ای از طریق اعمال خشونت و افزایش نقش بازیگران نوظهور فرو ملی مانند قومیت‌ها به‌ویژه کردها، معارضان در سوریه و عراق موجب پیچیدگی تحولات منطقه‌ای شده است. تکثیر خشونت‌های گفتمانی، برداشت‌های ناصواب از ایدئولوژی و برجسته‌سازی مسئله خشونت‌های عقیدتی که با توجه به عدم بلوغ در فهم دینی و ارائه نگاهی متعصبانه، انحصارطلبانه و متحجرانه از دین سبب شده که امنیت وجودی خاورمیانه در معرض خطر قرار گیرد و در عین حال استفاده ابزاری از تروریسم نیز موجب گسترش ناامنی در غرب آسیا شده است. از این رو، غرب آسیا به چرخه تولید ناامنی تبدیل شده است، به گونه‌ای که تشدید منازعات قومی و شکاف‌های هویتی در این منطقه، احتمال تجزیه یا فروپاشی برخی دولت‌ها را بیشتر کرده است. به همین جهت است که دولت‌های منطقه بیشتر به مسئله حیاتی بقاء خود می‌اندیشند، و به جای برخورداری از منافع میان‌مدت و راهبردی بر نگرش‌های امنیتی تمرکز دارند. (دهشیری، ۱۳۹۶: ۶۰-۵۹)

گرچه منازعات خاورمیانه در دهه‌های اخیر صرفاً منازعات میان دولت‌های خاورمیانه‌ای نبوده و در سال‌های اخیر عمده منازعات شکل گرفته در قالب فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه، تروریستی، سرنگونی رژیم

۱ بعد از مدت هفت سال از قطع روابط سیاسی و دیپلماتیک عربستان سعودی با جمهوری اسلامی ایران، با وساطت کشورهای عراق، عمان و در نهایت با واسطه‌گری دولت چین در اسفندماه سال ۱۴۰۱ توافقنامه برقراری روابط سیاسی بین دو کشور امضاء شده و شرایط برای بهبود روابط سیاسی، تجاری و برقراری روابط کنسولی بین دو کشور مهیا شده است

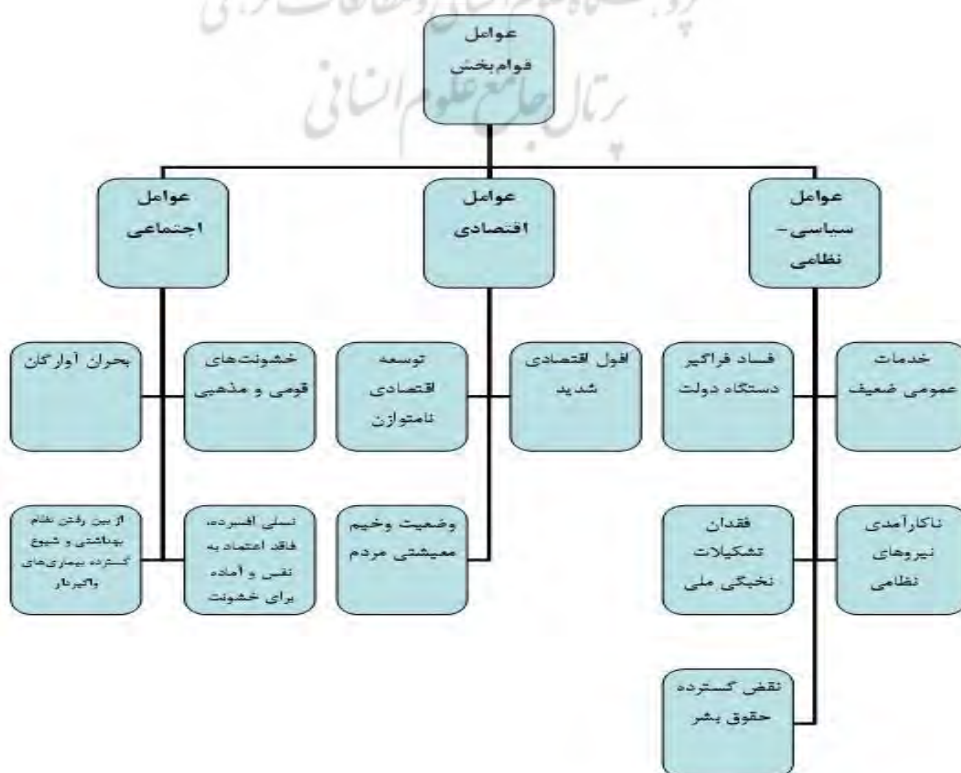
های دیکتاتوری در جهت تلاش برای «احیا امپراتوری اسلامی» یا همان «نظام خلافت اسلامی» نیز بوده است. این شکل از منازعات در بستری خارج از ساخت درگیری‌ها و تنش‌های سنتی امنیتی دولت‌محور و مبتنی بر موازنه قوا خاورمیانه‌ای شکل گرفته است که تلاش دارد تا نظم امنیتی موجود را به هم ریخته و به سمت‌وسوی گفتمان امنیتی متفاوتی سوق بدهد. در کنار تروریسم مبتنی بر افراط‌گرایی مذهبی، منافع و سیاست برخی از دولت‌های متعارض در منطقه نیز در عمل به تقویت عملکرد و حضور این گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی انجامیده، که این مسئله به نوبه خود موجب چرخش گفتمان سنتی امنیت خاورمیانه‌ای و تغییر به سمت ظهور امپراتوری‌های در سایه گردیده است. در واقع بهره جستن برخی از دولت‌های منطقه از گروه‌های تروریستی برای دستیابی به اهداف توسعه طلبانه خود باعث پیچیده‌تر شدن ساختارهای نظم امنیتی منطقه‌ای شده و امکان تنش را حتی میان دولت‌ها افزایش می‌دهد و در بلندمدت با پیچیده‌تر شدن معمای امنیت در این منطقه، خاورمیانه را به منطقه‌ای ناامن‌تر مبدل خواهد ساخت. از این رو، ناامنی‌های رو به افزایش به نوبه خود می‌تواند به محمل و دستاویزی برای ورود و حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای مبدل گردد و بازهم بر وخامت اوضاع در خاورمیانه بیفزاید. (عابدی، ۱۳۹۶: ۳۳۰-۳۲۹) تضعیف بیشتر نظم رئالیستی دولت‌محور در منطقه خاورمیانه فضای آناارشی ناشی از رشد بازیگران غیردولتی در این منطقه فراهم می‌کند که می‌تواند امنیت ملی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را به اشکال مختلف مورد تهدید قرار دهد.

۲- مواجهه با دولت‌های شکننده زمان پریش / ورشکسته

وجود دولت‌های ورشکسته یکی از اساسی‌ترین معضله‌های امنیتی در منطقه خاورمیانه است که وجود این تهدید پس از قیام‌های عربی برجسته‌تر نیز شده است. دولت‌های دارای حاکمیت در نظام بین‌المللی و ستفالیایی موظف هستند در داخل کار ویژه‌های حداقلی را در زمینه تأمین رفاه و امنیت برای شهروندان خود و در نظام بین‌الملل عملکرد بی‌دردسر و در چارچوب مقررات و معاهدات بین‌المللی به انجام برسانند. دولت‌هایی که نتوانند این استانداردهای حداقلی را برآورده کنند به عنوان دولت‌های «ضعیف»، «شکندنده» یا «دارای ضعف عملکرد توصیف» شده‌اند. دولت‌هایی که وضع وخیم‌تری دارند، برچسب «ورشکسته» یا «فروپاشیده» خورده‌اند. «زارتمن» معتقد است ورشکستگی دولت‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که دولت‌ها قادر به انجام کار ویژه‌های اساسی خود نباشند. از نظر «رابرت جکسون»، دولت‌های ورشکسته دولت‌هایی هستند که نمی‌توانند از

شرایط مدنی حداقلی یعنی تأمین صلح، نظم، امنیت و امثالهم در سطح داخلی حراست کنند. از نظر «رتبرگ»، دولت‌های ورشکسته دولت‌هایی به شدت منازعه آلود، پرتنش، خطرناک و به طرز ناگواری صحنه کشمکش جناح‌های در حال جنگ هستند. (طالبی آرانی و زرین نرگس، ۱۳۹۶: ۷۹) بی‌ثباتی سیاسی در این دولت‌ها معلول دلایل متعددی از جمله شکست در دستیابی به توسعه سیاسی و وقوع بحران مشروعیت، عدم چرخش نخبگان سیاسی، فقدان توسعه اقتصادی و وجود فقر فزاینده، بحران توزیع و بیکاری گسترده، فشارهای جمعیتی، فساد لجام‌گسیخته نظام سیاسی و عدم شفافیت در نظام‌های قضایی، ظهور و بروز پدیده‌ی افراط‌گرایی مذهبی و تروریسم، مداخله‌ی عناصر خارجی و نظایر آن است. دولت‌های مستقر در این کشورها نتوانسته‌اند کار ویژه‌های حکمرانی خوب را به نحو مناسب و به‌موقع انجام دهند. لذا این مسائل بسترهای بروز بحران و تنش درون نظام سیاسی و ریزش اعتماد عمومی نسبت به سیستم‌ها و به تبع آن پرخاشگری از ناحیه‌ی جمعیت‌های طردشده را به دنبال دارد. معمولاً در پرتو چنین شرایطی مداخله‌ی عامل مداخله‌گر خارجی نیز در به بلوغ رسیدن بی‌ثباتی‌های داخلی در کشورهای خاورمیانه مزید بر علت خواهد شد. (غفاری هشجین و نیکونهاد ۱۴۰۱: ۱۳۰) با توجه به این تعاریف و شاخصه‌های بیان شده می‌توان دولت‌های سوریه، لیبی، عراق و یمن را از مصادیق دولت ورشکسته در خاورمیانه عنوان کرد. در شکل زیر عوامل قوام‌بخش تأثیرگذار بر ورشکستگی دولت در خاورمیانه ذکر شده است:

نمودار شماره ۱: علل و عوامل شکل‌گیری دولت‌های شکننده (منبع بر اساس داده‌های پژوهش).



ضعف سیاسی و نظامی دولت‌های شکننده به گونه‌ای است که نیروهای نظامی این دولت‌ها در هنگام بروز ناآرامی‌های اجتماعی و بحران‌های سیاسی الگویی قاعده‌مند برای مدیریت کم‌هزینه بحران نداشته و در هنگام مواجهه با تهدیدات خارجی که استقلال ملی و سرزمینی این کشورها را تهدید می‌کند ناکارآمد بوده و نمی‌توانند کار ویژه‌های تأمین امنیت داخلی و استقلال سرزمینی در ارتباط با عوامل خارجی را به‌خوبی انجام دهند بنابراین با توجه به ناکارآمدی نیروهای نظامی رسمی انجام این کار ویژه‌ها در یک فرایند نانوشته به سایر نیروهای شبه‌نظامی محول می‌شود. نکته مهم درباره دولت‌های ورشکسته این است که این مسئله یک معضل صرفاً ملی نیست بلکه آثار و پیامدهای منطقه‌ای نیز دارد. از این رو، دولت‌های ورشکسته را باید یک تهدید نوظهور در خاورمیانه به شمار آورد که آثار و پیامدهای امنیتی در ابعاد مختلف برای کشورهای منطقه دارد. وقوع جنگ‌های داخلی در پی از دست رفتن انسجام ساختاری دولت‌های این منطقه، افزایش حضور و مداخلات خارجی، ظهور و گسترش سازمان‌های تروریستی افراط‌گرا، وقوع بحران مهاجرت و آوارگان، چالش پایداری بازیگران غیردولتی نوظهور به موازین و پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی (همانند طالبان) و... از جمله تهدیداتی است که می‌تواند امنیت ملی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر خود قرار دهد.

۳-فدرالیزه کردن دولت‌های خاورمیانه

طرح مسئله فدرالیزه سازی نظام‌های حکومتی در کشورهای خاورمیانه، مسئله جدیدی نیست، اما در صحنه عمل تنها نظام فدرالی شده در این منطقه عراق بوده است. پس از اعتراض‌های عربی سال ۲۰۱۱ و با طولانی شدن بحران‌های بی‌ثباتی سوریه، یمن و لیبی مسئله ایجاد نظام فدرالی در این کشورها مورد توجه قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین تهدیداتی که از جانب حکومت‌های محلی خودمختار و خواهان فدرالی در خاورمیانه در سال‌های اخیر شکل گرفته است، واگرایی و تحركات گریز از مرکز در قالب تمایلات قوم‌گرایانه و فرقه‌گرایانه است که نمونه آن اکنون در عراق در قالب تقابل کردها با دولت مرکزی این کشور وجود دارد. در عین حال وجود نظام فدرالی در کشورهای منطقه خاورمیانه به علت تضاد در سیاست‌ها به علت وجود دولت‌های شکننده می‌تواند چالش‌های اساسی برای همسایگان آن‌ها رقم بزند.

دولت‌های غربی با این استدلال در پی فدرالیزه سازی دولت‌های ورشکسته، اما مهم در خاورمیانه هستند چراکه از نظر آن‌ها در صورت فراهم نبودن شرایط برای تجزیه این کشورها، تشکیل یک

حکومت خودمختار و فدرالی شده به خصوص در مناطق نفت‌خیز و مناطق جغرافیایی مهم می‌تواند علاوه بر آن که زمینه را برای تملک منابع نفت‌خیز توسط غرب فراهم کند، بستری را برای ایجاد پایگاه‌های نظامی برای کشورهای غربی در مناطق مهم جغرافیایی مانند جنوب سوریه و شمال عراق که هم‌مرز با رژیم صهیونیستی است، فراهم آورد. از سوی دیگر در این شرایط با توجه به اینکه خطر تجزیه همچنان در بلندمدت برای این کشورها وجود دارد برجسته‌سازی مسئله فدرالیزه کردن می‌تواند اهرم فشاری بر دولت مرکزی در صورت شکاف با غرب باشد؛ و به همین دلیل است که افرادی همانند «جان رابرت بولتون»، سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل و «دیوید واینبرگ»، محقق آمریکایی بر این باورند که فدرالیزه سازی سوریه می‌تواند به نحوی هم حکومت مرکزی دمشق را تضعیف کند و فرصت مناسبی برای به رسمیت شناختن حاکمیت رژیم صهیونیستی بر مناطق استراتژیک بلندی‌های جولان فراهم آورد و در نهایت کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در سوریه را نیز رقم بزند. (رحیمی، ۱۳۹۵)

۴- مداخله‌گرایی نوین هم‌زمان با تداوم مداخله‌گرایی سنتی خارجی

مداخله‌گرایی یکی از تهدیدات همیشگی در نظام‌های سیاسی معاصر منطقه خاورمیانه است. این منطقه به دلایل ژئواکونومیک، ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، تمدنی و قرار گرفتن رژیم اشغالگر صهیونیستی همواره مورد توجه قدرت‌های غربی قرار دارد و تصمیم‌سازی در این منطقه بدون در نظر گرفتن منافع قدرت‌های غربی انجام نمی‌شود. نقش‌آفرینی قدرت‌های غربی در منطقه خاورمیانه باعث شده که حتی امنیت در این منطقه، وارداتی باشد. به گفته «ال کار براون» خاورمیانه یک نظام نفوذپذیر است که به صورت استثنایی در معرض دخالت و نفوذ خارجی قرار دارد. طبق نظریه «ساختاری امپریالیسم» یوهان گالتونگ، دولت‌های پیرامونی از جمله دولت‌های خاورمیانه در سلسله‌مراتب نظام جهانی، تنها فرودست بوده و وابسته به قدرت‌های مرکزی هستند از این رو با یکدیگر روابط بسیار ضعیفی دارند. طبق این نظریه، امپریالیسم این منطقه را به دولت‌های متعدد اما نسبتاً ضعیف و تا حدی مصنوعی تجزیه کرده است. این دولت‌ها که با یکدیگر اختلاف دارند، احساس ناامنی کرده و در پی یافتن حامیان خارجی و منابع لازم برای نبرد قدرت منطقه‌ای هستند که این مسئله محصول تقسیم‌بندی‌های ایجاد شده است. (هینه‌بوش، ۱۳۹۰: ۲۱-)

(۱۹)

نبود حاکمیت کارآمد و دولت مدرن در این منطقه، تضعیف نقش دولت‌ها در خاورمیانه از یک سو و مواجهه جوامع خاورمیانه با سه گسل عمیق و بحران‌ساز (گسل مشروعیتی، گسل ظرفیتی و گسل امنیتی)، دولت‌های این منطقه را در پاسخگویی به نیازهای جوامع ناتوان ساخته است. این مسئله به نوبه خود موجب دخالت کشورهای خارجی به خصوص غربی در امور داخلی این کشورها می‌شود که بر پیچیدگی وضعیت می‌افزاید. قدرت‌های غربی مداخله‌گر در تداوم روند استعمارگری خود سعی دارند تا به ترسیم مرزهای ساختگی و تصنعی از گروه‌های انسانی ناهمگن و پرنرنگ کردن شکاف‌های فرهنگی و هویتی مبادرت کنند تا حس مشترک شهروندی را در این جوامع ضعیف نگه‌دارند. (دهشیری، ۱۳۹۶: ۶۳-۶۲) از طرف دیگر دخالت غرب و به ویژه ایالات متحده در نظام‌های سیاسی کشورهای خاورمیانه، حمایت همه‌جانبه آمریکا از رژیم صهیونیستی و ارتباط بسیار نزدیک حاکمان کشورهای عربی با ایالات متحده و تن دادن به عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی تا اندازه بسیار زیادی موجب بی‌اعتباری نظام‌های سیاسی در این کشورها شده است. (ایوب، ۱۳۹۴: ۱۱)

مداخله کشورهای غربی در مدیریت سیاست و امنیت خاورمیانه باعث شده تا منازعه اعراب و رژیم صهیونیستی علیرغم حفظ نمادین مرکزیت خود، اما از مرکز ثقل خشونت‌های منطقه خارج شده (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۲۷) و حتی به دنبال خروج از انزوای منطقه‌ای خود باشد. در مقابل مداخلات خارجی در بحران‌سازی‌های منطقه خاورمیانه (سوریه، عراق، لیبی، یمن و...) سبب کاسته شدن برای تهدید رژیم صهیونیستی و برجسته کردن تهدیدات درون اسلامی به عنوان یکی از تهدیدات نوظهور در خاورمیانه شده است که در قالب مداخله‌گرایی سنتی غرب در این منطقه رخ داده است.

نوع جدید مداخله‌گرایی قدرت‌های بزرگ غربی در منطقه خاورمیانه در دو دهه اخیر در قالب ایجاد جنگ‌های نیابتی، تشکیل سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی، سعی در تحمیل نظام‌های سیاسی تهدیدزا نظیر نظام فدرالیسم و همچنین تحت فشار قرار دادن مقامات سیاسی برخی از کشورهای تحت نفوذ برای استعفا باهدف ایجاد بحران و تحت فشار قرار دادن گروه‌های مخالف در آن کشور بوده است که نمونه عینی و حتی بی‌سابقه آن در خاورمیانه مربوط به استعفای تحت فشار «سعد الحریری» نخست‌وزیر لبنان با بیانیه از پیش تعیین شده توسط حکومت سعودی در ریاض بود. همچنین تنش درون عربی میان قطر و گروه عربی ۱+۳ شامل سه کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس (عربستان سعودی، امارات و بحرین) به همراه کشور مصر نیز نمونه دیگری از مداخله‌گرایی نوین باهدف تغییر

دادن سیاست داخلی و خارجی یک کشور کوچک در منطقه بود. این شکل مداخله که البته توسط یک قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه انجام شد، آشکارا حاکمیت یک کشور مستقل، اما کوچک را نقض می‌کند. (محمدالشمری، ۱۳۹۹: ۶۶). وقوع مداخله‌گرایی نوین قدرت‌های بزرگ در منطقه خاورمیانه خود را در قالب بروز جنگ‌های نیابتی، ترکیبی و اطلاعاتی نشان داده است که می‌توانند امنیت ملی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را به‌انحاء مختلف به خطر اندازد.

۵) بهره‌گیری بازیگران دولتی و غیردولتی از بیوتورویسم و آگروتورویسم^۱

در تحولات نظامی قرن گذشته که ریشه در فناوری داشتند، شاخه‌های مختلف علمی از جمله شیمی و فیزیک نوین عامل اصلی بوده‌اند. روندهای کنونی حاکی از آن است که تحول بعدی، ریشه در علم زیست‌شناسی خواهد داشت. انقلاب بیوتکنولوژی تکامل سلاح‌ها و تهدیدات بیولوژیک را تسهیل نموده و سومین موج بزرگ فناوری در تاریخ توسعه جنگ‌افزارهای شیمیایی و بیولوژیک خواهد بود. در سرشت بیوتکنولوژی امکان استفاده دوگانه نظامی و غیرنظامی نهفته است. به تعبیر دیگر، بیوتکنولوژی تیغ دو لبه‌ای است که هم می‌تواند مفید و هم مضر باشد. به این معنی که علوم مرتبط با زیست‌شناسی به‌خصوص مهندسی ژنتیک و زیست‌فناوری، همانند چاقوی دولبه می‌تواند منشأ تحولات آینده باشد؛ یعنی علاوه بر اینکه می‌توان جهت پیشبرد علوم پزشکی و درمانی از آن استفاده کرد، هم‌زمان می‌توان در پوشش تحقیقات پزشکی، در حوزه نظامی نیز این تحقیقات را توسعه داده و هرروزه عوامل بیولوژیک جدیدتری را تولید نمود. (Riedel, 2004)

به‌علاوه امروزه بهره‌گیری از میکروارگانیسم‌های بیماری‌زا و یا سموم بیولوژیک علیه افراد نظامی و غیرنظامی و شهروندان بی‌دفاع برای نیل به اهداف شخصی و سیاسی بیوتورویسم نام‌گرفته است؛ در حملات بیولوژیک عواملی از میکروارگانیسم‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد که توانایی بیماری‌زایی داشته و دارای ویژگی‌های خاص جنگی باشند (زرگان و دهنوی، ۱۳۹۴: ۴). مهندسی ژنتیک، بیوتکنولوژی، مهندسی شیمی و توسعه علوم زیستی، امکان سو استفاده از آن‌ها را جهت تهیه عوامل نوین شیمیایی و زیست‌شیمیایی توسط دولت‌ها، گروه‌های تروریستی و افراد را افزایش داده است. از

^۱ آگروتورویسم زیرمجموعه بیوتورویسم است که در آن، فرد یا گروهی از افراد با وارد نمودن عمدی انواعی از باکتری‌ها، ویروس‌ها و یا قارچ‌ها به زمین‌های کشاورزی و یا محل پرورش و نگهداری دام و طیور، باعث آلودگی و بیماری دام و طیور و محصولات کشاورزی می‌گردند.

سوی دیگر تولید عظیم اطلاعات ژنتیکی موجودات زنده در آزمایشگاه‌های مخفی و علنی در بسیاری از کشورها و توسعه عوامل بیماری‌زا توسط شرکت‌های خصوصی و با همکاری مراکز نظامی و بهره‌برداری از آن جهت مقاصد غیر صلح‌آمیز و جنگی به‌عنوان یک تهدید نوظهور کاملاً جدید است (کرمی، ۱۳۹۲: ۶۸). اسنادی که اخیراً افشا گردیده است حاکی از وجود برنامه گسترده‌ای در رژیم نژادپرست سابق آفریقای جنوبی جهت تهیه عوامل عفونی اختصاصی سیاه‌پوستان بوده است که بتوانند علیه آنان که جمعیت غالب کشورهای آفریقایی هستند استفاده کنند. علاوه بر آن اسناد و مدارکی دال بر تلاش رژیم صهیونیستی در جهت تهیه عوامل بیولوژیکی خاص برای استفاده و نسل‌کشی علیه مردم فلسطین و سایر کشورهای اسلامی وجود دارد. (کرمی، ۱۳۹۲: ۳۲)

از سوی دیگر دکترین نظامی کشورهای متخاصم در خصوص سلاح‌های بیولوژیک دچار تغییرات خاصی شده است به‌طوری‌که سلاح‌های بیولوژیک امروزه دارای تنوع و حوزه عملکردی گسترده‌ای است. با توجه به تمامی جنبه‌های اشاره‌شده در بالا و دکترین نظامی دشمن، می‌توان گفت که تهدیدات موردنظر در سلاح‌های بیولوژیک حوزه وسیعی از تهدیدات را شامل می‌شود که می‌توان آن‌ها را در سه گروه عمده به شکل زیر دسته‌بندی نمود:

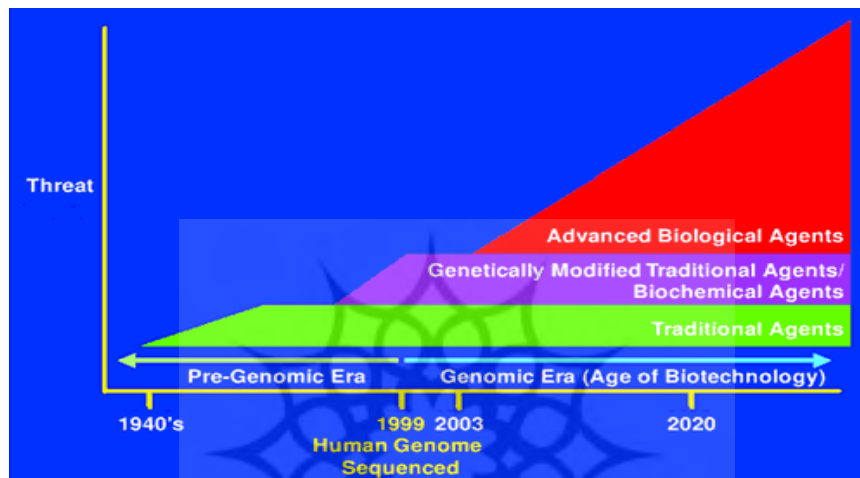
تهدیدات با استفاده از عوامل بیولوژیک سنتی

تهدیدات با استفاده از عوامل بیولوژیک نوین یا نوپدید که به سلاح‌های ژنتیکی معروف شده‌اند.

تهدیدات با استفاده از عوامل بیولوژیک ناشناخته

لازم به ذکر است که امکان ایجاد بسیاری از تسلیحات جدید در دهه‌های آینده فراهم خواهد شد. رمزگشایی ژنوم انسان، ژن‌ها و ارگانسیم‌های سنتزی، شیوه‌های جدیدی برای ژن‌درمانی و عرضه دارویی هستند. ولی درعین‌حال حجم مشخصی از آزمایش‌ها مهندسی ژنتیک بر روی میکروارگانسیم‌های پاتوژنیک، دسترسی به عوامل بیولوژیک بسیار پیچیده‌تر با پتانسیل کاربرد خصمانه را نه تنها در سناریوهای جنگ کلاسیک بلکه به بهانه حفظ صلح، عملیات نظامی متفاوت از جنگ، مبارزه با شدت پایین و عملیات‌های سری بسیار بیشتر خواهد کرد. پیش‌بینی کارشناسان نیز بیانگر گسترش تولید تسلیحات بیولوژیک مهندسی‌شده در سال‌های آتی است. (Poubard and Miller, 1992) و (Roberts, 1993) و (Dando, 1998). دسترسی بازیگران غیردولتی به سلاح‌های کشتار جمعی و استفاده آن‌ها در بحران‌های کشورهای منطقه (سوریه) می‌تواند زنگ

هشدار برای امنیت ملی و منطقه‌ای کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران باشد در عین حال بهره‌گیری از آنها از سلاح‌های بیولوژیکی می‌تواند منشأ بروز بیماری‌های فراگیر و ناشناخته‌ای گردد که به صورت مستقیم امنیت ملی را با تهدید مواجه نماید.



شکل شماره ۲: پیش‌بینی تهدیدات آینده بیولوژیک. (Dando, 1998)

یکی از تهدیدات دیگر تأثیرگذار بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی مسئله آگروتروریسم^۱ است. بیوتروریسم در حوزه کشاورزی بنام آگروتروریسم نام‌گذاری شده است. آگروتروریسم راحت‌ترین راه مقابله با دولت‌هاست. چراکه با استفاده از این قابلیت می‌توان محصولات کشاورزی کشور هدف را دچار آسیب نمود و فرد همواره وابسته به کشور استعماری می‌گردد. در این خصوص بیوتروریسم دارویی نیز تعریف می‌شود که کشورهای استعماری با ایجاد بیماری‌های خاص داروهای تائید نشده خود را در کشورهای به اصطلاح جهان سوم ارزیابی بالینی می‌کنند. گزارش‌ها زیادی وجود دارد مبنی بر اینکه کشورهای نظیر هند مورد ارزیابی و کار آزمایشی بالینی کشورهای استعمار قرار گرفته‌اند. (Braff and other, 2016: 7) بر این اساس به باور بسیاری از صاحب‌نظران، تهدیدات حال و آینده تهدیدات زیستی است به طوری که آینده جامعه بشری

1 Agroterrorism

را نیز رقم خواهد زد. یکی از این افراد پروفسور آرتور کاسادوال^۱ است که در سال ۲۰۱۲ مقاله‌ای را با عنوان آینده تسلیحات بیولوژیک در مجله *Microbial Biotechnology* به چاپ رسانده است. وی در این مقاله عنوان می‌کند که سه نظریه در خصوص انقراض جامعه بشری وجود دارد: (۱) ایجاد جنگ هسته‌ای، (۲) برخورد شهاب‌سنگ به کره زمین و (۳) ایجاد و بروز یک بیماری عفونی همه‌گیر. (Ethel and and Jena, 2012)

در تأیید این نظریه لازم است تشریح گردد که در کنفرانس امنیت مونیخ در سال ۲۰۱۷، بیل گیتس مدیرعامل شرکت ماکروسافت و یکی از ۱۰ فرد ثروتمند جهان اعلام می‌کند که در آینده احتمال بروز بیماری همه‌گیر وجود دارد که سبب مرگ حداقل ۳۰ میلیون نفر خواهد شد. وی در این خصوص از همه‌گیری بیماری‌های عفونی آبله و آنفلوانزا نام برده است. او به همراه همسرش ملیندا گیتس، یک مرکز مردم‌نهاد به‌عنوان کمک به بهداشت جهانی را راه‌اندازی کرده است که در آن از تحقیقات زیستی و ترویج بهداشت جهانی حمایت می‌کند. لازم به توضیح است که طبق نظر سازمان بهداشت جهانی آبله چندین سال است که ریشه‌کن شده است ولی طبق نظر متخصصان ارتش آمریکا و روسیه دارای نوعی از سویه آبله است که به پیشگیری‌های داروهای اخیر جواب مثبت نمی‌دهد و به نظر دست‌کاری ژنتیکی شده است. (the guardian, 2017) تهدیدات آگروتورویسم علاوه بر دست‌کاری‌های زیستی و تأثیرات بر امنیت غذایی کشورهای منطقه می‌تواند بر کاهش تولید و دسترسی به غذا، وارد کردن خسارات شدید اقتصادی، از بین بردن اعتماد عمومی و... تهدیدات متعدد و متنوع دیگری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نیز ایجاد کند.

۶) وقوع منازعات و رقابت‌های هیدروپلیتیکی

تغییرات آب و هوایی، افزایش جمعیت کره زمین و تغییر سبک زندگی مردم موجب تقاضا برای دست‌یابی به آب بیشتر و فشار بر منابع آب شیرین در سطح جهانی گردیده است. مطالعات و بررسی‌ها نشان می‌دهد که وضعیت منابع آب در سراسر جهان در مرحله بحرانی قرار گرفته است ولی با این وجود شدت و ضعف آن در مناطق مختلف جهان متفاوت است. (Goldsmith, 1990:42). ماهیت جاری بودن آب و ساکن نبودن آن در یک مکان مشخص سبب شده است تا اختلافات و تعارضات، همکاری و مذاکره بر سر منابع آب، مدیریت منابع آبی، مسائل زیست‌محیطی و نقش آب

1 Arthur Casadwell

در توسعه اقتصادی به عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از تعاملات بین کشورها و سیاست خارجی آنها تبدیل شود. (Eckstein, 2002: 11). منازعات متعددی در میان کشورها وجود دارد که موضوع آنها یا ایجاد محدودیت بر سر منابع آبی است (ترکیه، عراق، سوریه، ایران) و یا آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی سبب‌ساز آن شده است. از آنجایی که ۹۰ درصد از مردم جهان عمدتاً در کشورهای زندگی می‌کنند که دارای منابع مشترک با سایر کشورها هستند بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که منشأ بروز جنگ‌ها و منازعات سیاسی در آینده به تدریج از منابع انرژی و معدنی به سمت وسوی منازعه بر سر منابع آبی تغییر جهت خواهد داد. یکی از مناطقی که با ریسک بالای تنش آبی در آینده روبرو خواهد شد و احتمال بیشتری برای بروز منازعه و تنش آبی بین‌المللی از آن انتظار می‌رود جغرافیای سراسر منطقه خاورمیانه از شبه‌جزیره عربستان تا عراق، سوریه، جمهوری اسلامی ایران، لبنان، اردن، فلسطین و... خواهد بود. به عنوان مثال بر اساس ارزیابی‌های به عمل آمده در طی سال‌های (۲۰۰۶-۱۹۵۶) تعداد ۳۷ مورد خشونت بین کشورها بر سر منابع آبی گزارش شده است که ۳۰ مورد از آنها مربوط به منطقه خاورمیانه بوده است. (بران و هنر بخش، ۱۳۸۷: ۱).

منطقه خاورمیانه امروز با مسائل و مشکلات زیست‌محیطی مختلفی مواجه است. حضور جوامع انسانی بزرگ از زمان‌های باستان تا به امروز در این منطقه، بهره‌برداری مداوم از منابع طبیعی شامل آب‌های سطحی و زیرسطحی، چراگاه‌ها، خاک، جنگل‌ها و منابع هیدروکربنی از یک سو و آب‌وهوای عمدتاً خشک و نیمه‌خشک این منطقه از سوی دیگر فشار زیادی به اکوسیستم شکننده این منطقه وارد کرده است. از سوی دیگر وقوع جنگ‌ها و درگیری‌های متعدد در منطقه خاورمیانه در چند دهه گذشته از جمله جنگ جمهوری اسلامی ایران و عراق؛ جنگ‌های آمریکا در عراق و افغانستان، درگیری‌های داخلی عراق و سوریه در یک دهه اخیر، درگیری طولانی‌مدت میان دولت ترکیه و جدایی‌طلبان کرد خسارت‌های شدیدی به محیط‌زیست این منطقه وارد نموده است. در عین حال طرح‌های سدسازی و مهار منابع آبی در منطقه خاورمیانه بر منازعات هیدروپلیتیکی افزوده است. (عراقچی، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

بررسی‌ها نشان می‌دهند که با توجه به وضعیت منابع آبی اکثر قریب به اتفاق کشورهای خاورمیانه در آینده‌ای نه‌چندان دور دچار بحران آب می‌شوند. در این بین، کشورهایی که وابستگی بیشتری به منابع آب ورودی دارند، آسیب‌پذیرتر خواهند بود؛ بنابراین یکی از تهدیدات نوظهور تأثیرگذار بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران که می‌تواند حوزه سیاست خارجی را درگیر خود سازد منازعات

هیدروپلیتیکی و کشمکش بر سر منابع آبی خواهد بود که اتخاذ دیپلماسی فعالانه و هوشمندانه آب برای تأمین منافع ملی لازم خواهد داشت.

۶) نتیجه‌گیری

یکی از الزامات سیاست خارجی موفق، آینده‌نگری تحولات بر اساس روندها، رویدادها و اقدام‌هایی است که سایر بازیگران رسمی و غیررسمی محیط منطقه‌ای و بین‌المللی در دستور کار خود قرار می‌دهند که این اقدامات و تحولات می‌تواند منافع ملی یک کشور را در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی تحت تأثیر خود قرار دهد. در واقع پیش‌نگری باهدف جلوگیری از وقوع غافل‌گیری‌های احتمالی می‌تواند دستگاه‌های سیاست‌گذار را در مواجهه با تحولات آینده هوشیار سازد. منطقه خاورمیانه به علت اقتضات محیطی و امنیتی ویژه‌ای که دارد همواره یکی از بحرانی‌ترین مناطق سیاست جهانی در چند دهه گذشته بوده است و معمای امنیت در این منطقه بسیار پیچیده و به‌مراتب بدبینی بازیگران نسبت به رفتار یکدیگر به‌مراتب از سایر کانون‌های منازعه بیشتر است. سیالیت تحولات و سرعت آن‌ها به‌گونه‌ای است که بسیاری از دستگاه‌های سیاست‌گذار از پیش‌بینی و اتخاذ موضع نسبت به آن‌ها بازمی‌مانند و عمدتاً شرایط در این منطقه دارای عدم قطعیت زیادی است؛ بنابراین در این شرایط کشوری موفق است که بتواند عدم قطعیت‌ها و تهدیدات نوظهور علیه منافع و امنیت ملی خود را تا حد زیادی پیش‌نگری کند. جمهوری اسلامی ایران به علت در پیش گرفتن سیاست‌های خاص خود در عرصه سیاست خارجی هم در محیط منطقه‌ای و هم در نظام بین‌الملل با چالش‌های بسیار زیادی علیه منافع و امنیت ملی خود مواجهه است بنابراین پژوهش انجام‌شده با رویکرد آینده‌پژوهی درصدد شناسایی تهدیدات نوظهور علیه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه که می‌تواند بر منافع و امنیت ملی کشور تأثیرگذار باشند به نگارش درآمده است.

پس از شناسایی روندهای کلان جهانی بر اساس پیمایش محیطی متون و شناسایی پیشران‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری تهدیدات نوظهور در منطقه خاورمیانه بر اساس نظرات خبرگانی که می‌توانند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه تأثیرگذار باشند با توجه به داده‌های موجود نسبت به پیش‌بینی و شناسایی تهدیدات نوظهور در این حوزه اقدام به عمل آمد. بر اساس نظرات اجماعی خبرگان هفت تهدید نوظهور تضعیف نظم رئالیستی دولت‌محور و به‌کارگیری سازمان‌های تروریستی افراط‌گرای مذهبی، وجود دولت‌های شکننده و زمان پریش که در آستانه فروپاشی قرار گرفته‌اند،

فدرالیزه شدن دولت‌های ورشکسته در خاورمیانه، مداخله‌گرایی نوین هم‌زمان با تداوم مداخله‌گرایی سنتی خارجی، بهره‌گیری بازیگران دولتی و غیردولتی از بیوتروریسم علیه سایر کشورها، ظهور پدیده آگرو تروریسم و تحت‌الشعاع قرار گرفتن امنیت غذایی کشورهای منطقه و احتمال وقوع منازعات و رقابت‌های هیدروپلیتیکی و به تبع آن بحران آلودگی زیست‌محیطی و ریزگردها از جمله تهدیدات نوظهوری هستند که می‌توانند بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار باشند. به نظر می‌رسد دستگاه‌های متولی تنظیم و اجرای سیاست خارجی لازم است با نگاهی کارشناسانه تهدیدات یادشده و سایر تهدیدات نوظهوری که می‌توانند در آینده منافع جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر خود قرار دهند مورد مطالعه و بررسی هوشمندانه قرار دهند تا از وقوع غافلگیری‌های احتمالی جلوگیری به عمل آید.



فهرست منابع

- ایوب محمد، (۱۳۹۴)، خاورمیانه از فروپاشی تا نظم یابی، ترجمه مهدی زیبایی و سجاد بهرامی مقدم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی.
- بهران، صدیقه و هنر بخش، نازلی، (۱۳۸۷) بحران وضعیت آب در جهان و جمهوری اسلامی ایران؛ فصل‌نامه راهبرد، سال شانزدهم، شماره ۴۸، تابستان.
- بوزان باری و ویور الی، (۱۳۸۸)، مناطق و قدرت‌ها، مترجم رحمان قهرمان پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها، هراس، تهران: ترجمه و انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری و همکاران (۱۳۸۶) چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهزادی، حمید (۱۳۷۵) اصول و روابط بین‌الملل و سیاست خارجی - چاپ دوم - دهنخدا، تهران.
- پای، لوسین (۱۳۸۰)، بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، مترجم، غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پل دی، ویلیامز (۱۳۹۰)، درآمدی بر بررسی‌های امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر امیرکبیر.
- دافوس آجا، (۱۳۹۷)، کتابچه همایش ملی واکاوی تهدیدات نوظهور دفاعی نظامی، معاونت پژوهش و تولید دانش.
- دهشیری محمدرضا، (۱۳۹۶)، پیشران‌های نوظهور در نظم و امنیت غرب آسیا، مجموعه مقالات اولین کنفرانس امنیتی تهران؛ نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا، جلد سوم.
- دهقان، حسین (۱۳۹۵)، تهدیدات نوظهور و الزامات دفاع هوشمند از منظر فرماندهی معظم کل قوا، سومین همایش ملی تبیین اندیشه‌های دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای.
- ریبعی، علی (۱۳۸۳) مطالعات امنیت ملی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- رحیمی رضا، (۱۳۹۵)، پیشامدها و پسامدهای طرح فدرالیسم در سوریه، خبرگزاری تابناک.
- زرگان، جمیل و دهنوی، جلیل، (۱۳۹۴)، تهدیدات امنیتی بیوتوریسم و راه‌های مقابله با آن با رویکرد پدافند غیرعامل. فصلنامه پژوهش‌های حفاظت امنیتی، سال پنجم، شماره ۱۹.
- سعادت و همکاران، (۱۳۹۹)، تبیین تهدیدات نوظهور دفاعی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهبردهای نظامی متناسب با آن، دعا.
- طالبی آرانی روح‌الله و زرین نرگس یحیی، (۱۳۹۶)، بین‌المللی شدن دولت و ناکامی‌های آن در غرب آسیا؛ مطالعه موردی عراق از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶؛ مجموعه مقالات اولین کنفرانس امنیتی تهران؛ نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا، جلد سوم.

- عابدی، مهدی (۱۳۹۶)، افراط‌گرایی مذهبی و نظم منطقه‌ای غرب آسیا: از نظم وستفالی تا امپراتوری‌های در سایه، مجموعه مقالات اولین کنفرانس امنیتی تهران؛ نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا، جلد سوم، عراقچی، سید عباس (۱۳۹۳)، دیپلماسی آب؛ از منازعه تا همکاری، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره ۴، صص ۹۱-۱۱۹.
- عصاریان نژاد، حسین (۱۳۸۷) جویشی بر امنیت ملی، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.
- غفاری هاشجین، زاهد؛ نیکونهاد، ایوب (۱۴۰۱)، سناریوهای نظم آینده منطقه خاورمیانه تا سال ۲۰۳۰ با تأکید بر کنشگری جمهوری اسلامی ایران و عربستان، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۵، شماره ۱، پیاپی ۵۷، کرمی، علی، (۱۳۹۲)، پدافند غیرعامل در جنگ نوین، نقش فناوری‌های نوین، فصلنامه پرستار و پزشک در رزم، شماره ۲۱ و ۲۲، بهار و تابستان
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، گونه شناسی تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۸ محمودنژاد، محمد (۱۳۸۱)؛ شناخت تهدیدهای امنیتی؛ تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- محمدالشمری، عفرآ جاسم (۱۳۹۹)؛ تحلیل تأثیر بحران رهبری بر کارآمدی اتحادیه عرب؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- مرادیان محسن، (۱۳۹۹) تهدیدات نوظهور علیه ج.ا.ا، تهران: مرکز مطالعات راهبردی آجا
- مرادیان، محسن (۱۳۸۵) درآمدی بر ابعاد و مظاهر تهدیدات، تهران: انتشارات راشا.
- مرادیان، محسن (۱۳۸۸) شاخص‌های سنجش امنیت خارجی جمهوری اسلامی ایران، رساله دوره دکتری، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع و امنیت ملی.
- هینه بوش ریموند، (۱۳۹۰)، چارچوب تحلیلی در سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، مترجمین: انوشیروان احتشامی، رحمن قهرمان پور و مرتضی مساح، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- Braff D. Shis D. Collins JJ. (2016) Synthetic biology platform technologies for antimicrobial applications. Ad Drug Del Rev. 1-9. <http://dx.doi.org/10.1016/j.addr.2016.04.006>.
- Dando, MR. (1998) «The development of international legal constraints on biological warfare in the 20th century. Finnish yearbook of international law 1998. In press.
- Eckstein, Gabriel, (2002) Development of international water Law and UN watercourse convention, Washington.
- tt hel Machi and eena aa ker Mcee ll; ; “ee w Technooqss, Fuuue Weapon:: Gene Sequencng and Synhleic oooogy”; oo mennrd Secuttty 2020; The ee tttagge Foundaiion August 2012.
- Global Trends 2040: A More Contested World (2021) National Intelligence Council, 9781646794973, %U <https://books.google.com/books?id=eNCNzgEACAAJ> COSIMO REPORTS.
- Goldsmith, Edward, (1990), 5000 days to save the planet; London: Hamlyn Publishing.
- Parthes Volker, (2017), No order, no hegemon. The Middle East in flux, <http://www.voltairenet.org/article195337.html>
- Poubard, J.A. and Miller, L.A. (1992) History of biological warfare: catapults to capsomeres. Annals of the New York Academy of Sciences, 666, 9 – 20.

- Riedel S: Biological warfare and bioterrorism: a historical review. Proc Baylor U Med Cent 17:400-406, 2004.
- Roberts B. Biological Weapons: Weapons of the future? Washington, DC: The Center for Strategic and International Studies, 1993.
- Shama Nael, (2017), A New Middle East? https://www.alaraby.co.uk/english/comment/2017/9/11/a-new-middle-east?utm_campaign=magnet&utm_source=article_page&utm_medium=related_articles
- Wendt Alexander, (Spring 1992), Anarchy is what States make of it: the Social Construction of Power Politics, International Organization, Vol. 46, No. 2.

